# مادران رضاعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

## مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی، رمضان، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور : مادران رضاعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ( ام‌ایمن، ام‌فروه، حلیمه، ثویبه ) به ضمیمه اسماء بنت یزید و ام‌رعله/ رمضان محمدی.
مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۴۸ص.
شابک : 978-964-540-365-0
موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- مادران رضاعی
موضوع : زنان مقدس مسلمان -- سرگذشتنامه
موضوع : زنان مسلمان -- سرگذشتنامه
رده بندی کنگره : BP۵۲/م۳۱۵م۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۳۳۱۰۱
ص1

## اشاره

ص2

ص3

ص4

ص5

ص6

ص7

## دیباچه

سعادت واقعی انسان و پویایی جوامع بشری در گرو شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پرآشکار است که سیره اولیای الهی به‌ویژه اهل‌بیتِ خاندان وحی، متقن‌ترین آموزه‌های تربیتی و بنیادی‌ترین مؤلفه فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت‌های زندگی آنان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می‌تواند زمینه‌های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد. ازاین‌رو، پژوهش در آثار اولیای الهی به‌ویژه جست‌وجو در احوال خاندان پاک نبوت به‌منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.
گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود در ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت:

ص8
دست به انتشار شرح‌حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جملة آنان شرح‌حال مادران رضاعی گرامی رسول خدا9 است که اسماء بنت یزید و ام رعله از زنان نمونه صدر اسلام نیز به جمع مادران رضاعی حضرت ضمیمه شده است. امید است که این نوشته مورد قبول آن بانوان بزرگوار قرار گیرد.
در پایان، مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می‌داند از تلاش پژوهشگر محترم آقای رمضان محمدی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کرده‌اند، سپاس‌گزاری نماید.
انه ولی التوفیق
مرکز تحقیقات حج
گروه تاریخ و سیره

ص9

## مقدمه

### اشاره

رسول خدا9 علاوه بر آمنه که مادر آن حضرت بود دارای دایگان و مادران رضاعی متعددی بود که او را شیر دادند و در رشد و پرورش آن حضرت سهیم شدند، و آن حضرت نیز بر اساس آیة قرآنی جزای احسان، احسان است[(1)](#p9i1) ، پیوسته از آنان به خوبی یاد می‌کرد و به بازماندگان آنان احسان می‌نمود. متنی که پیش روست، درباره برخی از دایگان و مادران رضاعی رسول خدا9 و همچنین برخی زنان نمونه صدر اسلام است.
لازم به ذکر است که بر اساس متون فقهی ما، علاوه بر قرابت نسبی که از طریق خویشاوندی و به سبب ولادت ایجاد می‌شود، نوعی از قرابت وجود

1- الرحمن: 60.

ص10
دارد که به واسطه شیرخوارگی تحقق می‌یابد. ازاین‌رو، هر صنفی که از طریق سبب بر هم حرام می‌شوند، از طریق رضاع نیز همان افراد بر یکدیگر حرام می‌شوند و خویشاوندی شرعی بین فرزند و خانواده ایجاد می‌شود. علاوه بر حکم فقهی رضاع، در معارف دینی نیز خویشاوندی به رضاع مانند خویشاوندی به نسب، دارای حقوق و تکالیفی می‌شود که براساس آن لازم است همدیگر را احترام کنند.
در این متن برای آشنایی مخاطبان، شرح حال چهار تن از دایگان و مادران رضاعی آن حضرت آمده است. البته دایگان حضرت تا ده نفر ذکر شده است که آگاهی قابل توجهی از دیگر دایگان در دست نیست. البته شرح حال دو تن از زنان نمونه صدر اسلام نیز ضمیمه پژوهش شده است. امید است که این مختصر مورد رضایت رسول گرامی اسلام9 قرار گیرد.

ص11
1

### اُمّ اَیْمَن

ام ایمن، کنیه «برکة بنت ثعلبة بن عمر حبشیه»، از زنان مشهور صحابی و دایه رسول خدا9 است.[(1)](%22%20%5Cl%20%22p11i1)
ام ایمن کنیز عبدالله بن عبدالمطلب بود که از راه ارث، به رسول خدا9 رسید[(2)](#p11i2). وقتی آمنه، مادر پیامبر‌9 تصمیم گرفت به یثرب برود تا آرامگاه شوهرش را زیارت کند، ام ایمن همراه وی بود. هنگام برگشتن از مدینه، آمنه در محلی به نام «ابواء»[(3)](#p11i3) رحلت کرد. از آن پس، دایگی پیامبر‌9 را ام ایمن به عهده گرفت.[(4)](#p11i4)

1- الطبقات الکبری، محمد بن سعد، ج8، ص223.
2- الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج4، ص356.
3- محلی در فاصلة 30 میلی مدینه است که امروزه به آن مستوره می‌گویند؛ دائرة المعارف بزرگ، ج1، ص307.
4- مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ج2، ص275؛ امتاع الاسماع، احمد بن علی مقریزی، ج1، ص14

ص12
ام‌ایمن تا آنجا که می‌توانست از پیامبر‌9 جدا نمی‌شد. پیامبر‌9 دربارة وی فرمود: «اُمُّ اَیمَن اُمّی بَعدَ اُمّی»[(1)](%22%20%5Cl%20%22p12i1) ؛ «ام ایمن بعد از مادرم، مادر من است». همچنین می‌فرمود: «او تنها باقی‌ماندة خاندان من است»[(2)](#p12i2). هرگاه چشم حضرت به او می‌افتاد، می‌فرمود: «یا اُمَّه»؛ «ای مادر».
پیامبر اکرم‌9 بعد از ازدواج با حضرت خدیجه3، ام ایمن را آزاد کرد. او با «عبید بن زید خزرجی» ازدواج کرد و ایمن متولد شد. ایمن در جنگ حنین (سال هشتم هجری) به شهادت رسید و خود عبید در غزوه خیبر به شهادت رسید. شهرت ام ایمن، از نام ایمن است[(3)](#p12i3). بعد از فوت عبید، پیامبر‌9 فرمود: «هر کس از اینکه با زنی از زنان بهشتی ازدواج کند خوشحال می‌شود، با ام ایمن ازدواج کند». پس از این سخن پیامبر‌9، زید بن حارثه، آزادشده و پسرخوانده پیامبر‌9 با او ازدواج کرد که اُسامه از این ازدواج متولد شد.[(4)](#p12i4)
ام‌ایمن، بعد از رحلت حضرت‌خدیجه3، بدن مطهر او را به کمک «ام‌الفضل» ـ همسر عباس بن

1- الإستیعاب، ج4، ص356؛ الإصابه، احمد بن علی بن حجر، ج8،ص359.
2- الطبقات الکبری، ج8، ص179
3- همان، ص223.
4- الاصابه، ج4، ص432.

ص13
عبدالمطلب ـ غسل داده و کفن کردند.[(1)](%22%20%5Cl%20%22p13i1) ام ایمن از نخستین کسانی بود که اسلام آورد و از هجرت‌کنندگان به حبشه است.[(2)](#p13i2)
از زمان و چگونگی برگشت او از حبشه، اطلاعی در دست نیست. رسول خدا‌9 هنگام مهاجرت به مدینه، امانت‌های مردم را به او سپرد تا به علی بن ابی‌طالب7 تحویل دهد و آن حضرت نیز آنها را به صاحبانشان برگرداند.[(3)](#p13i3)
ام ایمن در جنگ احد (سال سوم) و خیبر (سال هفتم) به مداوای مجروحان، خستگان و واماندگان می‌پرداخت و برای آنان آب می‌برد.[(4)](#p13i4) در جنگ احد، به صورت فراریان خاک می‌پاشید و به آنان دوک نشان می‌داد و می‌گفت شمشیرتان را بدهید و نخ بریسید.[(5)](#p13i5)
در ایام ولادت امام‌حسین‌7، (در سال سوم هجرت) ام ایمن خواب دید که قطعه‌ای از بدن مبارک پیامبر‌9 جدا شد و در خانه او افتاد. این خواب وی را ناراحت و آشفته ساخت و باعث گریه او شد. وقتی حضرت

1- امتاع الاسماع، ج6، ص31.
2- الاستیعاب، ج4، ص356.
3- المجموع فی شرح المهذب، محیی‌الدین بن شرف نووی، ج14، ص184.
4- الطبقات الکبری، ج8، ص225؛ مغازی، محمد بن عمر واقدی، ج1، ص241؛ ج2، ص685.
5- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج15، ص24.

ص14
خبردار شد، او را فرا خواند و فرمود: «دیشب به من خبر رسید که تا صبح گریه کرده‌ای؟» ام‌ایمن، خواب را برای حضرت تعریف کرد. حضرت در تعبیر خواب او از ولادت امام حسین‌7 خبر داد و فرمود: «او بعد از ولادت، در خانه شما رفت و آمد، خواهد کرد».[(1)](%22%20%5Cl%20%22p14i1)
رسول خدا‌9 پیوسته به دیدار ام ایمن می‌رفت. بعد از رحلت رسول خدا‌9، خلیفه اول و دوم نیز به پیروی از آن حضرت‌9 به دیدن او می‌رفتند.[(2)](#p14i2) به هنگام بیماری رسول خدا‌9، ام ایمن گریه می‌کرد و می‌گفت: «می‌دانم حضرت رخت از این جهان برمی‌بندد؛ اما از آن جهت می‌گریم که وحی و اخبار آسمانی از ما قطع می‌گردد».[(3)](#p14i3)
او از پیامبر‌9 روایاتی نقل کرده است: «انس بن مالک»، «حَنَشِ بن عبدالله صنعانی» و «ابوزید المَدینی» از کسانی هستند که از او روایت کرده‌اند.[(4)](#p14i4)
او پیشاپیش، خبر شهادت امام حسین‌7 را از رسول خدا‌9 نقل کرده بود.[(5)](#p14i5) حضرت زینب3 پس

1- روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ص155.
2- الاستیعاب، ج4، ص356.
3- الطبقات الکبری، ج8، ص226.
4- تهذیب الکمال، ابوالحجاج یوسف بن احمد نیشابوری، ج22، ص447.
5- کامل الزیارات، جعفر بن محمد قولویه قمی، ص446.

ص15
از ضربت‌خوردن حضرت علی‌7 از ایشان در‌باره خبر ام‌ایمن پرسید، امیرمومنان فرمود: «حدیث همان است که ام ایمن نقل کرده است»[(1)](%22%20%5Cl%20%22p15i1). از دیگر احادیث او، حدیثی است در فضیلت تربت سید‌الشهداء‌7 که از پیامبر خدا‌9 چنین نقل کرده است:
هی (ارض کربلا) أطهَرُ بِقاعِ الأرضِ وأعظَمُها حُرمةً وَأنّها لَمِنْ بَطْحاء الْجَنَّة.[(2)](#p15i2)
سرزمین کربلا، پاکیزه‌ترین بقعه روی زمین و از نظر احترام و حرمت از بزرگ‌ترین بقعه‌هاست و همانا کربلا از بساط‌های (باغ‌های) بهشت است.
«جوهری»، او را در شمار شاهدان حضرت زهرا3 در قضیه فدک آورده است[(3)](#p15i3). همچنین نقل شده که او از معتمدترین زنان نزد حضرت زهرا3 بود. در‌باره ازدواج حضرت زهرا3 و هدایای الهی و نثار ملائکه، حدیث مفصلی از رسول‌خدا‌9 نقل کرده است[(4)](#p15i4). هنگامی که حضرت، متوجه رحلت خود شد،

1- کامل الزیارات، ص448.
2- بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، ج28، ص59، السجود علی الارض، علی احمدی، ص140.
3- السقیفة و فدک، احمد بن عبدالعزیز جوهری، ص110؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج16، صص214ـ220.
4- تفسیر عیاشی، ج2، ص212؛ روضة الواعظین، ص146؛ امالی صدوق، ص362.

ص16
ام ایمن را خواست تا علی‌7 را خبر کند.[(1)](%22%20%5Cl%20%22p16i1)
ام ایمن، در روایاتی چند از رسول اکرم‌9 در زمره زنان بهشتی شمرده شده است.[(2)](#p16i2) امام باقر7 فرمود: «فإنی أشْهَدُ أَنَّها مِنْ أهْلِ الجَّنَّةِ»[(3)](#p16i3) ؛ «من شهادت می‌دهم که او ]ام ایمن[ از بهشتیان است».
او در اوایل خلافت عثمان، یعنی پس از 32ه .ق از دنیا رفت.
«ابن سعد» نقل کرده که «ابن ابی‌الفرات»، مولای (غلام) اسامة بن زید با «حسن بن اسامه» نزاع کردند. ابن ابی‌الفرات، به حسن بن اسامه گفت: «ای پسر برکه!» مقصودش از برکه، ام ایمن بود. حسن، کسانی که آنجا بودند را شاهد گرفت که ابن ابی‌الفرات به من گفت پسر برکه. پس نزد قاضی مدینه شکایت کردند. قاضی مدینه، به جهت این بی‌حرمتی که خواسته بود او را کوچک کند، هفتاد تازیانه به او زد و گفت: «رسول خدا‌9 او را مادر خطاب کرده است»[(4)](#p16i4). ام ایمن، احادیث بسیاری از رسول خدا9 نقل کرده است.[(5)](#p16i5)

1- روضة الواعظین، ص151؛ الحدائق الناضرة، یوسف بحرانی، ج4، ص89.
2- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج1، ص543.
3- همان، ج2، ص405.
4- الطبقات الکبری، ج8، ص226.
5- مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص421؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج2، ص85.

ص17
2

### اُمّ فَرْوَة ظِئرُ النَّبی‌9

«ام فروه» از صحابه و دایه رسول اکرم‌9 بود[(1)](%22%20%5Cl%20%22p17i1). از چگونگی اسلام‌آوردن، زندگی، نسب و قبیله او اطلاعی در دست نیست. «شامی»، دَه نفر از دایگان رسول خدا‌9 را شمرده و او را نهمین دایه‌ای دانسته که حضرت را شیر داده است[(2)](#p17i2) .
تنها یک روایت از رسول خدا‌9 را به او نسبت داده‌اند که پیامبر اکرم‌9 به او فرمود: «هنگام خواب، سورة {قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ} را بخوان که این سوره، بیزاری از شرک است».
در استناد این روایت، به ام‌فروه تردید شده است. بعضی گفته‌اند راوی این حدیث، فروه، ابوفروه و یا

1- اسدالغابه، ج7، ص365.
2- سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج1، ص387.

ص18
نوفل است. «ابن حجر» گفته، استناد این روایت به ام فروه، قولی بعید، بلکه اشتباه است. منشأ اشتباه این است که به دنبال نام فروه، «ظئر» آمده، آنان خیال کرده‌اند که ظئر، تنها به زن مرضعه اطلاق می‌شود. درحالی‌که ظئر، به شوهر زن مرضعه که صاحب لبن و شیر است نیز گفته می‌شود.
«ابن کثیر»، مرضعه را به معنای زن شیر‌ده گرفته و از او با نام فروه یاد کرده و روایت را نیز از وی دانسته است و این قول را به ابو‌احمد عسکری و ابن اثیر، نسبت داده است.

ص19
3

### حلیمه سعدیه

«حلمیه» دختر «عبد‌الله بن حارث» از قبیله «سعد ابن هوازن» و جزو مادران رضاعی رسول خدا‌9 بود. علت شیر دادن حلیمه به رسول خدا9 این است که بر پایه گزارش‌های تاریخی، عادت و رسوم بزرگان و اشراف عرب پیش از اسلام چنان بود که فرزندان خود را از شیرخوارگی به بیابان‌های اطراف مکه می‌فرستادند تا از نظر جسمی، سالم بمانند، در هوای آزاد رشد کنند، در گفتار، فصیح شوند و از قریحه‌ای سالم بهره‌مند شوند. رسول خدا‌9 نیز از این سنت نیکو بهره‌مند شد.
عبدالمطلب که در پی دایه‌ای بود تا آن حضرت را

ص20
شیر دهد، حلیمه دختر «ذؤیب» را یافت که همراه شوهرش به مکه آمده بود تا نوزادی را برای شیر‌دادن نزد خود ببرد.
بنابر قولی، عبدالمطلب اعلام کرد که فرزندش دایه می‌خواهد. در پی این درخواست، زنان شیرده زیادی آمدند؛ ولی حضرت پستان هیچ‌کدام را نگرفت. وقتی این خبر منتشر شد، حلیمه سعدیه آمد و اعلام کرد که او نیز شیر دارد. حلیمه سینه‌اش را جلو آورد، ولی حضرت نگرفت؛ اما به سینه دیگرش متمایل شد که شیر نداشت یا کم شیر داشت. یکباره سینه پر از شیر شد. به عبدالمطلب خبر دادند. پرسید: «نامش چیست؟» گفتند: «حلیمه». پرسید: «از کدام قبیله است؟» گفتند: «سعدیه». عبدالمطلب گفت: «دو خصلت نیکو و پسندیده، یکی حلم و بردباری (حلیمه) و دیگری سعادت (سعدیه)». و بدین‌سان دایگی حلیمه را به فال نیک گرفت و فرزندش را به او سپرد. عبدالمطلب، حلیمه را فرا خواند و به او

ص21
گفت: «من جدّ این کودک و جای پدر او هستم ؛ اگر خواستی او را شیر دهی، به تو می‌سپارمش و مزد تو را نیز عهده‌دار می‌شوم».
حلیمه، محمد را نزد قبیله خود برد. هنگامی که آمنه محمد را تحویل حلیمه می‌داد، ضمن برشمردن حوادث خارق‌العادة هنگام ولادت رسول خدا‌9 گفت: «به من گفته شد بعد از سه شبانه روز فرزندت در خانه ابوذؤیب، شیر خواهد خورد». حلیمه گفت: «کنیه شوی من ابوذؤیب است» و آمنه از این خبر بسیار مسرور شد.
ابن شاذان قمی گوید: خیلی از زنان بنی‌هاشم خواستند محمد را شیر دهند، ولی محمد، سینه هیچ‌یک از آنان را نگرفت؛ مانند حضرت موسی7 که خداوند درباره او فرمود: (وَ حَرَّمْنَا عَلَیْهِ الْمَرَاضِعَ...) (قصص: 12) چنان‌که در منابع آمده است، عبدالمطلب از پدر حلیمه خواست، دخترش، محمد را شیر دهد. پدر حلیمه گفت: «کدام دخترم؟» عبدالمطلب گفت: «هر کدام عاقل‌تر و

ص22
باحیاتر است». پدر حلیمه گفت: «حلیمه از نظر عقل، کامل‌تر و از نظر فهم، بهتر است. زبانی فصیح و قلبی مهربان دارد و راستگوست».
پدر حلیمه، خبر تقاضای عبدالمطلب را برای دایگی محمد به حلیمه داد. حلیمه خیلی خوشحال شد و خود را همراه همسرش به مکه رساند. حلیمه پیامبر را به صحرا برد. قبیله بنی‌سعد که تهی‌دست بودند، به برکت وجود رسول خدا‌9 از نعمت‌های فراوانی برخوردار شدند. حلیمه و شوهرش، درباره برکات وجود آن حضرت در قبیله بنی‌سعد، داستان‌هایی را نقل کرده‌اند. حلیمه در این باره گفته:
زمین‌های ما خشک بود؛ ولی وقتی محمد به قبیله ما آمد، گوسفندان ما از صحرا سیر باز می‌گشتند و از آنها شیر می‌دوشیدیم. همه آرزو می‌کردند که یتیمی مثل محمد نصیب آنان شود. خداوند به برکت او، فقر و بلا را از ما دور کرد و خیر و برکت را در میان ما جاری ساخت.
به این ترتیب، بنی‌سعد، برکت وجود شریف آن

ص23
حضرت9 را در مورد خود و اموالشان مشاهده کردند. سرانجام حسادت برخی از خاندان‌ها به وجود رسول خدا‌9 در نزد بنی‌سعد، موجب شد تا رسول خدا‌9 نزد خانواده‌اش برگردد در حالی که حلیمه به هیچ وجه نمی‌خواست او را از خود جدا کند. شوهر حلیمه به وی گفت:
به خدا سوگند! حسادت خاندان فلان و فلان، برای بهره‌مندی‌مان از برکات بزرگ خداوند متعال به واسطه وجود محمد است.
حلیمه پس از دو سال، رسول خدا‌9 را به خانواده‌اش بازگرداند ، عبدالمطلب به خاطر وبای شایع شده، دوباره حضرت را به حلیمه بازگرداند. حلیمه نیز به دلیل برکاتی که از وی دیده بود، با کمال میل پذیرفت. حلیمه درباره بازگشت رسول خدا‌9 می‌گوید:
بعد از تمام شدن دو سال، با کودکِ آمنه نزد او آمدیم و چون خیر و برکت زیادی از او دیده

ص24
بودیم، به آمنه گفتیم و اصرار کردیم یک سال دیگر نزد ما بماند تا از وبای مکه در امان بماند.
زیاد شدن شیر در سینة حلیمه سعدیه، سرعت و قوت گرفتن مرکب ضعیف حلیمه، برخورداری از نعمت باران و سرسبز شدن صحرای بنی‌سعد و نیز زیاد شدن شیر گوسفندان و شترها، از برکات وجود رسول خدا‌9 در صحرای بنی‌سعد شمرده شده است.
رسول خدا‌9 تقریباً چهار سال در خانه حلیمه سعدیه و دور از خویشان خود زندگی کرد. سال ششم بعد از عام الفیل، حلیمه او را نزد آمنه آورد. حلیمه در وصف رسول خدا‌9 چنین می‌گوید:
محمد به کودکانی که بازی می‌کردند نگاه می‌کرد؛ اما با آنان بازی نمی‌کرد. هرگز از او کارهایی که از دیگر کودکان سر می‌زد، ندیدم. او بسیار تمیز بود. عریان بودن بدنش را دوست

ص25
نداشت. هنگامی که زبان به سخن می‌گشود، سخنان نیکو می‌گفت. صدقه نمی‌خورد. اگر با حیوانی بدرفتاری می‌شد، با دست کشیدن، حیوان را آرام می‌کرد.
حلیمه، پیش از رسول خدا‌9 حمزة بن عبدالمطلب، ابوسلمه مخزومی (همسر ام سلمه) و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب را شیر داده بود ؛ البته گفته‌اند: نخستین زنی که چند روزی رسول خدا‌9 را شیر داد، ثُویبه کنیز ابولهب بود. اما برخی از محققان، با استناد به اختلافاتی که در نقل‌های تاریخی وجود دارد، در شیر‌دادن ثویبه، تردید کرده‌اند.
سَلمی، خواهر حلیمه و خاله رضاعی حضرت و عبدالله بن حارث و انیسة بنت حارث، و شیماء فرزندان حلیمه، برادر و خواهران رضاعی حضرت بودند.

ص26
رسول خدا9 عده‌ای از اسرای بنوجُشم را که تیره‌ای از سعد بن بکر بن هوازن بودند و در غزوه حنین اسیر شده بودند، به خاطر حلیمه مادر رضاعی خود، بخشود. در این غزوه شیماء خواهر رضاعی پیامبر نیز اسیر شد و با مهربانی از سوی پیامبر پذیرایی و بخشوده شد.

ص27
4

### ثُوَیبه

رسول خدا‌9 بعد از تولد، تنها چند روز از مادرش شیر خورد؛ پس از آن به دلایل مختلفی که برای ما معلوم نیست و از این دلایل می‌تواند بیماری مادرش باشد، دایگان متعددی آن حضرت را شیر دادند. شامی، ده دایه برای رسول خدا‌9 شمرده و نخستین دایه را ثویبه، کنیز ابولهب دانسته است.
ثویبه، از شیر پسرش «مسروح» به رسول خدا‌9 شیر داده است. زمان شیردادن ثویبه به آن حضرت، چند روز پیش از آمدن حلیمه سعدیه (به اختلاف سه یا هفت روز) بوده است. در گزارش دیگر این مدت

ص28
چهار ماه ذکر شده است. آگاهی زیادی از زندگی ثویبه نداریم. «مستوفی»، ثویبه را یمنی می‌داند. او قبل از رسول خدا‌9، «حمزة بن عبدالمطّلب»، «جعفر بن ابی‌طالب» و «ابوسلمة بن عبدالاسد مخزومی» و «عبدالله بن جحش» را نیز شیر داده بود. از این شواهد فهمیده می‌شود که حرفه ثویبه، دایگی بوده است.
ام‌حبیبه، همسر رسول خدا‌9 و دختر ابو‌سفیان می‌گوید:
به رسول خدا9 عرض کردم: «چقدر خوب است که خواهر مرا هم به ازدواج خود درآوری؛ چون دوست دارم او نیز افتخار همسری شما را پیدا کند». پیامبر فرمود: «خواهر تو، بر من حلال نیست».
ام‌حبیبه می‌گوید:
دوباره عرض کردم: «شنیده بودم که می‌خواهی با دره، دختر ابو‌سلمه مخزومی ازدواج کنی؟» حضرت فرمود: «او هم بر من حرام است؛ زیرا او

ص29
دخترِ برادر رضاعی من است. ثویبه، من و ابو‌سلمه را با هم شیر داده است».
در روایت دیگری آمده است که رسول خدا‌9 از «ام‌حبیب»، دختر «عباس بن عبد‌المطلب» خواستگاری کرد؛ اما معلوم شد عباس نیز برادر رضاعی اوست که ثویبه هر دو را شیر داده است؛ لذا از خواستگاری منصرف شد. البته صحت این گزارش محل تردید است؛ زیرا بعید است که آن حضرت از خواهر رضاعی خود اطلاع نداشته باشد.
«واقدی» نقل می‌کند: «رسول خدا‌9 تا هنگامی که در مکه بودند، نزد ثویبه می‌رفتند و به او کمک می‌کردند. خدیجه هم ثویبه را گرامی می‌داشت». ثویبه همچنان کنیز و برده ابولهب بود و حضرت خدیجه3 از ابولهب خواست تا ثویبه را به او بفروشد تا آزادش کند، ولی ابولهب نپذیرفت ؛ اما پس از هجرت رسول خدا‌9 به مدینه، ابو‌لهب ثویبه را آزاد کرد. بعد از آن، پیامبر‌9 برای ثویبه جامه و پول

ص30
می‌فرستاد. برخی از محققان، با استناد به اختلافاتی که در محتوای نقل‌های تاریخی و تناقضی که در زمان شیر دادن افراد، توسط ثویبه وجود دارد، در شیر دادن ثویبه به رسول خدا‌9 تردید کرده‌اند.
از جمله تناقضات اشاره شده، اختلاف سنی حمزه و رسول خدا‌9 است؛ زیرا حمزه دو سال از رسول خدا‌9 بزرگ‌تر بود و شیر خوردن این دو نفر از شیر «مسروح»، فرزند ثویبه مشکل است. این در حالی است که مورخان در برادرِ رضاعی بودن حمزه و رسول خدا‌9 اتفاق نظر دارند. روایاتی نیز حاکی از تکریم و احترام رسول خدا‌9 به ثویبه است. شواهد زیادی بر درستی خبر شیر خوردن حضرت، نزد ثویبه وجود دارد، به‌ویژه که در جاهلیت و بعد از آن، زنانی بودند که حرفه و کار آنان دایگی بود و صاحبان این کنیزان، از این طریق در‌آمد کسب می‌کردند.
از این رو، هیچ بعید نیست که دایه‌ای بیش از دو سال شیر داشته باشد، به‌ویژه که درباره رسول خدا‌9 آمده است که چند روز بیشتر از ثویبه شیر نخورده

ص31
است؛ در این صورت ثویبه در ابتدای شیر دهی خود، حمزه را و در اواخر شیردهی، رسول خدا‌9 را شیر داده است؛ البته این امکان وجود دارد که ثویبه، قبلاً عباس را از شیر فرزند دیگرش که نام او به ما نرسیده یا در کودکی از دنیا رفته، شیره داده باشد.
مطلب دیگری که در‌باره ثویبه وجود دارد، اسلام اوست. آیا مسلمان شده بود یا نه؟ در گزارش‌های تاریخی، اختلاف است. بنا بر برخی از گزارش‌های تاریخی ثویبه مسلمان شد. چنان‌که مرحوم مجلسی تصریح کرده است: «تکریم رسول خدا‌9 از ثویبه نیز می‌تواند دلیل بر اسلام او باشد».
ثویبه در سال هفتم هجری درگذشت. رسول خدا‌9 وقتی خبر درگذشت ثویبه را شنید، از فرزندش مسروح پرسید، به آن حضرت گفتند: «مسروح پیش از مادرش درگذشت و کسی از خویشاوندان او باقی نمانده است».
در خبری آمده که بعد از مرگ ابولهب، برادرش عباس بن عبدالمطّلب او را در خواب دید و از حالش

ص32
پرسید، ابولهب گفت: «تنها به جهت آزاد کردن ثویبه، روزهایی از هفته، از عذاب من کم می‌شود». گذشته از اینکه گزارش بالا تنها یک خواب است و با سند مرسل نیز نقل شده است، مخالف آموزه‌های قرآنی است؛ زیرا طبق صریح آیات قرآن عمل کافر در قیامت، برای او نفعی نخواهد داشت؛ بنابراین، صحت خبر مزبور محل تردید است و هیچ حجیتی ندارد.

ص33
5

### اسماء بنت یزید بن سَکَن

کنیه اسماء، «ام عامر» و از تیره «بنی‌عَبْدُالاَشْهل» از طایفه بزرگ «خزرج» بود؛ لذا به ام عامر اشهلیه شهرت داشت. او از زنان مجاهد و صحابه و دختر عمه معاذ بن جبل بود. برخی نیز او را «ام سلمه انصاریه» دانسته‌اند.
پدرش یزید بن سکن در جنگ احد، سخت از

ص34
رسول خدا9 دفاع کرد و جراحات سختی برداشت. پیامبر9 فرمود: «او را پیش من بیاورید». یزید خود را کشان‌کشان به پیامبر9 رساند و درحالی‌که صورت خود را روی پای رسول خدا9 گذاشته بود، شهید شد.
مادرش «ام سعد» دختر «خزیم بن مسعودی» است. اسماء جزو زنانی بود که در سال اول هجری، خدمت رسول خدا9 رسید و با ایشان بیعت کرد. بنا به قولی، اولین زنی بود که با پیامبر9 بیعت کرد. او
می‌گوید:
من و لیلی دختر حطیم و حواء دختر یزید بن سکن، در‌حالی‌که چادرهای خود را به خود پیچیده بودیم، بین نماز مغرب و عشا خدمت رسول خدا9 رسیدیم. من سلام کردم، رسول خدا نسب ما را سؤال کرد. سپس خوش‌آمد گفت و از کار ما سؤال کرد. گفتیم: «آمده‌ایم با شما بیعت کنیم. ما نبوت شما را تصدیق کرده‌ایم و گواهی می‌دهیم آنچه را آورده‌ای، حق است». رسول خدا9 فرمود: «سپاس خدای متعال را که شما را به اسلام هدایت کرد. من با شما بیعت کردم».

ص35
اسماء گوید:
به رسول خدا9 نزدیک شدیم. حضرت فرمود: «من با زن‌ها مصافحه نمی‌کنم و دست نمی‌دهم. سخن من برای هزار زن، مانند سخن من برای یک زن است؟»
وی در بعضی از غزوات رسول خدا9 شرکت داشت. بعد از جنگ احد، حضرت بر بنی‌عبدالاشهل وارد شد. آنان بر کشته‌های خویش گریه می‌کردند. وقتی گریه آنان را دید، فرمود: «لکنَّ حَمزةَ لا بَواکِیَ لَهُ» ؛ «اما حمزه گریه‌کننده‌ای ندارد».
اسماء با شنیدن این سخن، ساکت شد و به رسول خدا9 عرض کرد: «هر مصیبتی بعد از سلامتی شما گواراست». او در جنگ خندق شرکت داشت و برای رسول خدا9 خرمای مخلوط با آرد و
روغن برد. پیامبر9 نزد ام سلمه بود. ام سلمه، مقداری از آن را گرفت و رسول خدا9 با بقیه غذا، اهل خندق را غذا داد. همه سیر شدند، ولی چیزی از

ص36
غذا کم نشد.
در غزوه حدیبیه، چهار زن همراه رسول خدا9 بودند. یکی از آنان، ام عامر اشهلیه (اسماء) بود. او در جنگ یرموک هم شرکت داشت و با عمود خیمه، نُه نفر از مشرکین قریش را کشت.
شوهر اسماء، ابوسعید انصاری، تا زمان خلافت عبدالملک زنده بود. اما تاریخ وفات او مشخص نیست.
ابن حجر عسقلانی، ام عامر بنت یزید بن سکن را به غلط غیر از ام عامر اشهلیه دانسته و این دو را جدا ذکر کرده است.
وی از رسول خدا9 روایات زیادی نقل کرد. ابن حمزه، او را در شمار راویانی آورده که در «مسند احمد» از رسول خدا9 روایت دارند.
محمود بن عمرو، مهاجر بن ابی‌مسلم و شهر بن حَوْشب از کسانی هستند که از او روایت نقل

ص37
کرده‌اند.
ابن سعد، از طریق خود، از اسماء دختر یزید بن سکن نقل کرده که گفته است:
از رسول خدا9 شنیدم که فرمود: «فرزندان خود را با شیردادن در دوران بارداری خود پوشیده به کشتن مدهید. سوگند به کسی که جان من در دست اوست، اگر آنان با سواران رویاروی شوند از پای درمی‌آیند و تباه می‌شوند».
به نقل ابن سعد، واقدی گفته: «مقصود این است که هنگامی که زنان، کودکان را شیر می‌دهند، باردار نشوند یا با همسرانشان همبستر نشوند».
در روایت دیگری، اسماء گفته است:
رسول خدا9 در مسجد محله ما نماز مغرب را خواند. من به خانه برگشتم، پاره گوشتی پخته که به استخوان چسبیده بود و چند گرده نان به حضورش بردم و عرض کردم: «پدر و مادرم فدایت باد! شام بخور». آن حضرت، خطاب به یاران خود فرمود: «به نام خدای متعال بخورید». آن حضرت و یارانش و همه کسانی که حضور داشتند، از آن غذا خوردند و

ص38
اندکی از غذا هم باقی ماند. سپس آن حضرت از مشک آبی که در خانه‌ام بود، نوشید. بعد از این، من از آن آب به بیماران می‌نوشاندم و گاهی به امید تبرک و خیر و برکت از آن آب می‌نوشیدم.

ص39
6

### ام رِعْلة ـ قشیریة

وی، زنی شاعر، سخنور و فصیح بود. او از بادیه‌های اطراف مدینه، همراه شوهرش، ابو رعله، خدمت پیامبر اکرم9 رسید و ضمن شمردن وظایف زنان، به ایشان عرض کرد:
سلام و رحمت خدا بر تو ای رسول خدا! ما زنان پرده نشینیم، همسرداری می‌کنیم، فرزندان شوهرانمان را تربیت می‌کنیم و بهره‌ای از جهاد در راه خدا نداریم، مطلبی بیاموز که ما را به خدا نزدیک کند.
پیامبر9 از فصاحت او تعجب کرد و در جواب فرمود:
عَلَیْکُنَّ بِذِکرِ اللهِ آناءَ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ غَضِّ البَصَرِ وَ خَفضِ الصَّوتِ.

ص40
بر شما (زنان) باد که در شب و روز به یاد خدا باشید و چشمان خود را از نامحرم بپوشانید و صدای خود را بلند نکنید.
در حدیث دیگری آمده است که به رسول خدا9 عرض کرد:
یا رَسُولَ اللهِ9 إنّی اْمرأةٌ مُقَنّیة أقَیِّن النِّساء وَ أُزَیِّنُهُنَّ لأزْواجِهِنَّ فَهَلْ هُو حَوبٌ فأثبطَ عنه. فَقَال لَها: یا أُمَّ رِعلَه! قَیِّنیهُنَّ وَ زَیِّنیهُنَّ إذا کَسدنَ.
یا رسول الله! من آرایشگر زنانم و آنان را برای شوهرانشان زینت می‌کنم. آیا این گناه است و باید آن را ترک کنم؟ حضرت فرمود: «ای ام رعله! آنان را برای شوهرانشان آرایش کن و زینت ده؛ آن‌گاه که زشت شدند و به هم ریختند».
بعد از این، ام رعله به قبیله خود برگشت و در زمان حیات رسول خدا9 خبری از او نبود تا اینکه در ایام «ردّه» به مدینه برگشت و متوجه رحلت پیامبر9 شد و بسیار محزون گشت و برای ابراز حزن خود، حسن و حسین8 را در کوچه‌های مدینه می‌گرداند و گریه می‌کرد و مرثیه ذیل را نیز که خود

ص41

## ص42

سروده بود، می‌خواند:
یا دارَ فاطِمَةَ المعمورَ ساحَتُها
هیجت لی حزنا حییت من دار
ای خانه فاطمه که آباد بودی، اندوه مرا برانگیختی، خدا تو را آباد کند.

ص43

## کتابنامه

\* قرآن کریم.
1. الاحاد و المثانی، ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی‌عاصم، تحقیق باسم فیصل احمد الجوابره، ریاض، دارالدرایه، 1411ه .ق.
2. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقیق علی محمد سجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، 1412ه .ق.
3. اسد الغابة فی معرفة الصحابه، علی بن ابی‌الکرم بن اثیر، تحقیق علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415ه .ق.
4. الاصابة فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415ه .ق.
5. الإصابة فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن حجر، بیروت، دارالجیل، 1412ه .ق.

:44
6. اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق و نشر مؤسسة آل البیت لإحیاء التراث، قم، 1417ه . ق.
7. اعیان الشیعه، محسن امین، بیروت، دارالتعارف، [بی‌تا].
8. الإکمال فی ذکر من له روایة فی مسند الإمام احمد، محمد بن علی بن الحسن بن حمزه حسینی، تحقیق عبدالمعاطی امین قلعجی، کراتشی، جامعة الدراسات الإسلامیه.
9. امتاع الأسماع، احمد بن علی مقریزی، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
10. انساب الأشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، 1417ه .ق.
11. بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403ه .ق.
12. تاریخ الإسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العبری، 1410ه .ق.
13. تاریخ الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
14. تاریخ الیعقوبی، یعقوبی، بیروت، دارصادر.
15. تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، تهران، امیر کبیر.
16. تاریخ مدینة دمشق، ابی‌القاسم علی بن الحسن بن هبة الله (ابن عساکر)، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1415ه .ق.
17. تهذیب التهذیب، ابن حجر العسقلانی، بیروت، دارالفکر، 1404ه .ق.

ص45
18. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ابو الحجاج یوسف مزی، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، 1414ه .ق.
19. جمهرة انساب العرب، ابو محمد علی بن احمد بن حزم، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1403ه .ق.
20. الحدائق الناظره، تحقیق ایروانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
21. حلیة الأولیاء، احمد بن عبدالله ابونعیم اصفهانی، بیروت، دارالکتاب العربی، 1407ه .ق.
22. ذخائر العقبی فی مناقب ذوالقربی، احمد بن عبدالله طبری، مکتبة القدس، 1356.
23. روضة الواعظین، فتال نیشابوری، تحقیق: سید محمد مهدی سید حسن، قم، منشورات رضی.
24. سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، تحقیق عادل عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1414ه .ق.
25. السجود علی الارض، علی احمدی، بیروت، مرکز جواد، 1414ه .ق.
26. السقیفة و فدک، احمد بن عبدالعزیز جوهری، تحقیق محمد هادی امینی، بیروت، 1413ه .ق.
27. السنن، احمد بن الحسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، 1404ه .ق.
28. سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرساله، 1413ه .ق.

ص46
29. السیرة النبویه، اسماعیل بن کثیر، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه، 1396.
30. السیرة النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق مصطفی السقا، مصر، مطبعة مصطفی البانی، 1355ه .ق.
31. السیرة النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت، دارالقلم.
32. شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار، نعمان بن محمد تمیمی (قاضی نعمان)، تحقیق حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.
33. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، تحقیق ابراهیم ابوالفضل، بیروت، داراحیاء التراث، 1385ه .ق.
34. شرف المصطفی، ابوسعد عبدالملک خرگوشی، مکه، دارالبشائر الإسلامیه، 1422ه .ق.
35. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارصادر.
36. الصحیح من سیرة النبی الأعظم9، سید جعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالسیره.
37. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تصحیح عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1410ه .ق.
38. العقد الفرید، احمد بن عبدربه اندلسی، بیروت، دارالکتب العربیه، 1403ه .ق
39. عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، ابن سید الناس، بیروت، مؤسسة عزالدین، 1406ه .ق.

ص47
40. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، تحقیق عبدالعزیز عبدالله بن باز، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1418ه .ق.
41. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، نجف اشرف، المطبعة الحیدریه، 1381ه .ق.
42. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
43. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، تحقیق جواد قیومی، مؤسسة نشر اسلامی، 1417ه .ق.
44. کتاب الثقات، محمد بن حبان تمیمی، حیدرآباد دکن، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
45. کنزالفوائد، محمد بن علی کراجکی، قم، مکتبة المصطفوی، 1410ه . ق.
46. لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی، 1415ه .ق.
47. المجموع فی شرح المهذب، محیی الدین بن شرف نووی، بیروت، دارالفکر.
48. مروج الذهب و معادن الجوهر، علی بن الحسین مسعودی، بیروت، دارالفکر، 1410ه .ق.
49. مستدرک الحاکم، محمد بن محمد حاکم نیشابوری، تحقیق یوسف المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، 1406ه .ق.
50. مستدرک سفینة البحار، علی نمازی، قم، جامعه مدرسین، 1419ه .ق.

ص48
51. المسترشد فی إمامة امیرالمؤمنین7، محمد بن جریر طبری، تحقیق محمودی، مطبعة سلمان فارسی (اوایل قرن چهارم).
52. مسند، ابویعلی موصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دارالمأمون للتراث.
53. مسند، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.
54. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق عبدالمجید سلفی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
55. المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق مارسدن جونس، قم، نشر دانش اسلامی، 1405ه .ق.
56. مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، تحقیق لجنة من اساتذة النجف، مطبعة محمد کاظم حیدری، 1376ه .ق.
57. موسوعة حیاة الصحابیات، محمد سعید مبیض، بیروت، مؤسسه الریات، 1421ه .ق.

# درباره مركز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهاى خود، در راه خدا جهاد نماييد؛ اين براى شما بهتر است اگر بدانيد حضرت رضا (عليه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌اى كه امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهاى ما را ياد گيرد و به مردم ياد دهد، زيرا مردم اگر سخنان نيكوى ما را (بى آنكه چيزى از آن كاسته و يا بر آن بيافزايند) بدانند هر آينه از ما پيروى (و طبق آن عمل) مى كنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رايگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سيستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبايل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خيابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

